



## چیستی و ماهیت نظارت در متون دینی و فرهنگ اسلامی

محمدحسین مردانی نوکنده \*

نوروز شفیع تبار سماکوش \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۰/۳

### چکیده:

یکی از اصولی که می‌تواند سعادت و سلامت جامعه را در همه ابعاد آن فراهم آورد، نظارت همگانی تمام آحاد جامعه، نسبت به مسائل اجتماع می‌باشد. اصولاً نظارت، تعالی و تکامل را به دنبال خواهد داشت و جوامع فاقد نظارت در سراسری سقوت و اضمحلال قرار خواهند گرفت. هدف در این نوشتار تحلیلی آن است، تا جایگاه و اهمیت نظارت در متون دینی و فرهنگ اسلامی مورد تبیین و تشریح قرار گیرد. روش تحقیق در این نوشتار، کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشی بوده است. در حقیقت دنیای سالم، یعنی دنیایی که در آن زمینه رشد و تعالی به سوی کمال مطلق فراهم است و یکی از این زمینه‌ها وجود محیطی پاک و عاری از آلودگی‌هاست که با نظارت درست و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر تحقق خواهد یافت.

**واژگان کلیدی:** نظارت، فرهنگ اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه.

## مقدمه

نظارت و پرسشگری از مفاهیم آشنا در فرهنگ اسلامی است که به منظور جلوگیری از انحرافات فردی و اجتماعی پیش‌بینی شده است. نظارت در جامعه اسلامی برخاسته از مسئولیت آحاد جامعه در برابر یکدیگر است. وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و خیرخواهی در حق یکدیگر، نوعی نظارت و مراقبت است که سلامت جامعه را تضمین می‌کند. در اهمیت این فرضیه بزرگ همین بس که ملاک برتری امت اسلامی بر امت‌های دیگر است:

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (آل عمران/آیه ۱۱۰).

چنانکه ترک آن از عوامل سقوط و اضمحلال برخی از امت‌های پیشین است.

در این میان نظارت بر صاحبان قدرت از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تأکید بر امر و نهی حاکمان به عنوان برترین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر، نشانه این اهمیت و جایگاه است. در حالی که در تاریخ گذشته جهان غرب، نظارت مردم بر دولتمردان، جایگاهی نداشت و حاکمان خود را از هرگونه نظارتی آزاد می‌دانستند. اگر در جهان غرب «مقوله نظارت بر قدرت» سابقه‌ای چند صد ساله دارد و پس از دگرگونی نظام‌های سیاسی از سلطنتی مطلقه، به سلطنتی مشروطه و جمهوری مطرح شده، یعنی در جهان اسلام، همزاد با مکتب است.

جمله معروف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۸) از رسول گرامی (ص) با مقوله نظارت و مراقبت پیوندی وثیق دارد و نشانه‌ای از این پیشینه تاریخی است. پیامبر مردم را در جامعه اسلامی به گونه‌ای تربیت کرد که همواره مراقب اعمال و رفتار صاحبان قدرت و ثروت باشند. نمونه‌های متعدد تاریخی در زمان خلفای بعد از پیغمبر گواه بر این حقیقت است. امیرمؤمنان علی (ع) با آنکه در مسند خلافت مسلمین، در رأس قدرت قرار داشت، مردم را به هوشیاری، مراقبت و نظارت بر دولتمردان تشویق می‌کرد.

قیام و مبارزه شخصیت‌های موجه تاریخ اسلام در برابر دولت‌های ظالم نیز برخاسته از تربیت دینی آنها بود. قیام امام حسین (ع) نمونه بارزی از تلاش و مجاهدت در راه احیای این

فرضیه مهم اسلامی است. نظارت در عرصه سیاست، به منظور جلوگیری از طغیان انسان‌های قدرتمند و ثروتمند است، از این رو دولتمردان جامعه بیش از شهروندان نیازمند نظارت و مراقبت‌اند. در فلسفه سیاسی اسلام در درجه نخست قدرت در اختیار شخص معصوم قرار می‌گیرد تا احتمال انحراف و لغزش به صفر برسد و حقوق مردم به‌طور کامل در عرصه اجتماعی تأمین گردد. در مراحل بعد و در صورت فقدان شخص معصوم، رهبری جامعه به کسانی سپرده می‌شود که از عدالت و تقوای بالایی برخوردار باشند. شخص عادل هر چند از خطا مصون نیست؛ اما از فساد و سوءاستفاده مصون است. حداقل این اطمینان هست که فارغ از اهرم‌های نظارتی بیرونی، صاحبان قدرت از مهار درونی برخوردارند تا آنها را از وسوسه قدرت و ثروت مصون بدارد. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مصلح معروف جهان اسلام که با نظام‌های سیاسی شرق و غرب آشنایی داشت، بر این اعتقاد بود که «تنها عامل بازدارنده سوء استفاده از قدرت، ایمان به خدا و روز جزا است.» (بشریه، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹).

بدیهی است که اگر نظارت درونی حاکمان با نظارت بیرونی مردم بر رفتار و کردار آنان همراه شود، میزان فساد، انحراف، خطا و لغزش به حداقل می‌رسد. تنها با گسترش نظارت همگانی و احیای فرضیه مهم «امر به معروف و نهی از منکر» می‌توان جامعه‌ای سالم، سعادت‌محور و الهی را تحقق بخشید.

## تأملی در واژه و مفهوم نظارت

در این بخش، واژه و مفهوم نظارت از دو زاویه لغوی و بررسی ویژگی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد:

### ۱. تعریف لغوی

«نظارت» از ماده «نظر» است و مرحوم «دهخدا» در کتاب لغت‌نامه (ج ۱۴ ص ۲۵۵) ذیل واژه مذکور، آن را به نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، یاری دادن و مدد کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبیر، خیال، وهم و اعتراض آورده است. او «ناظر» را به معنای نظر کننده، نگرنده، نگاه‌کننده، بیننده،

مشترکی نیز دارند.

پنجم، ویژگی دیگر اقسام نظارت‌ها آن است که نظارت در جاهایی مطرح است که حرکتی علمی یا عملی، کمی یا کیفی، گسترده یا محدود، مخفی و یا آشکار و ... متناسب با اهداف مقرر، در جریان باشد. از آنجا که حین عمل احتمال خطا و یا انحراف از مسیر می‌رود، از این رو مورد کنترل و نظارت قرار می‌گیرد. با همین مبنا در نگاه دینی از سوی خداوند و فرشتگان اعمال همه آدمیان و حتی معصومین مورد نظارت و کنترل است؛ چنان که قرآن مجید در داستان یونس (رسولی محلاتی، ۱۳۶۳، ص ۷۰) پیامبر به این نکته اشاره دارد که حرکت او در مواجهه با قومش کنترل شده و او در ادامه مسیر، به خطای در حرکتش که تحت نظارت خداوند بود، واقف گردید و به خدا بازگشت و خداوند نیز اجابتش کرد و از اندوه نجاتش داد (انبیاء/آیه ۸۸).

از نکته یاد شده، به نتایجی چند می‌توان پای فشرد:

الف) اگر جوهره نظارت را به وجود فعالیت و تحرک بدانیم، هر چه حرکت بیشتر، گسترده‌تر، قوی‌تر و هر چه قدرت مانور عامل بیشتر باشد، نظارت جدی‌تری را نیز می‌طلبد؛ زیرا خطای بزرگان نیز بزرگ است. بر همین اساس در حوزه‌های سیاسی، حکومتی و مدیریتی هر چه مسئولان دارای وظایف سنگین‌تری باشند، نظارت بالاتر و دقیق‌تری را می‌طلبند.

ب) فعالیت‌هایی که در معرض نظارت است، تنها در تلاش‌های عملی و اجرایی خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه تلاش‌های علمی و پژوهشی نیز نیاز به نظارت دارد.

ج) بر همین اساس، امر نظارت هم، خود نیاز به نظارت دارد؛ زیرا خود فعالیت نظارتی هم نوعی فعالیت و تحرک است. نیروهای نظارتی نباید فعالیت‌های مستقیم و اجرایی را به عهده بگیرند و نیروهای عملیاتی نباید در کار داوری مداخله کنند.

د) اگر نوعی فعالیت مورد نظارت بسیار متضاد شد (از فعالیت‌های علمی تا عملی و ...) از این رو در عین تأکید بر فلسفه نظارت مشترک برای همه این فعالیت‌ها (برای مثال جلوگیری از خطا و نقص). به وضوح می‌توان از مرزهای مشترک و غایبات گوناگون نظارتی نیز سخن به میان آورد و اینجاست که به «فلسفه‌های نظارت» و نه فلسفه نظارت می‌رسیم.

ششم، از جهت «سطح تحلیل» ناظر می‌تواند منفرد باشد

شاهد و کنایه از جاسوسی، دیده‌بان و نگاهبان مطرح کرده و در نهایت «نظارت» را به معنای نظر کردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، نگرانی دیده‌بانی به سوی چیزی و مباشرت معنا کرده است.

## ۲. ویژگی‌های مفهوم نظارت

از آن جا که واژه نظارت در یک رشته علمی و در یک حیطة و موضوع کاربرد ندارد، از این رو نمی‌توان تعریف اصطلاحی اجماعی و واحدی از نظارت ارائه کرد و در هر علم، نظارت معنا و کارکرد خاص خود را خواهد یافت؛ اما در معرفی مفهوم نظارت، ویژگی‌های هشت‌گانه زیر را در همه اقسام کاربرد این اصطلاح و واژه می‌توان دید:

اول، در هر نظارتی چهار رکن را می‌توان مؤثر دید: «ناظر» و «عامل» (نظارت شونده)، که البته ناظر و عامل می‌توانند در یک مصداق جمع شده و به نوعی «خود کنترلی» برسیم، «فرآیند تحقق نظارت» (دیدن و کنترل آگاهانه امور) و در نهایت «بزارها و شیوه‌های نظارت» است.

دوم، نظارت با عقلانیت در ارتباط است؛ چون نیاز به دیدن، تجزیه و تحلیل و تشخیص صحیح از سقیم و ... دارد.

سوم، از ویژگی فوق، به این خصیصه نیز می‌توان رسید که نظارت کنشی (عامدانه و عالمانه) است؛ از این رو هر نگاه تصادفی و از روی جهل را نظارت نمی‌نامند و از همین جاست که نظارت در علوم اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، تخصصی است که افراد دارای استعداد مناسب باید این توانایی‌ها و قابلیت‌ها را طی دوره‌هایی کسب کرده و آموزش ببینند و در آن مسیر تربیت شوند تا از عهده مسئولیتی که بر عهده آنها نهاده می‌شود، برآیند و به قدری پیچیده است که ممکن است هر دانش‌آموخته‌ای صلاحیت نظارت، کنترل و بازرسی را نداشته باشد.

چهارم، در همه نظارت‌ها، فرض بر این است که عامل برحسب برنامه‌ای عمل کند و از این رو بر او نظارت می‌شود تا حرکت صواب و یا ناصواب او ثبت و درج شود و چون برنامه‌ها برحسب اینکه آسمانی باشند یا زمینی، مستبدان آن را تدوین کنند یا مردم‌گرایان و ... غایبات متنوعی دارند. چارچوب و شیوه نظارت‌ها نیز همسان نبوده و از این رو فلسفه نظارت نیز در هر مورد، با دیگر موارد تفاوت‌های اساسی داشته، ضمن این که وجوه

- آنها که برای مردم ایجاد مزاحمت می‌کنند (در لسان فقهی ما، به آنها محارب گفته می‌شود)

- و آنها برای دولت و نظام سیاسی خطر سازند (در لسان فقهی ما، بدان‌ها باغی گفته می‌شود) در رابطه با هر دو گروه قبل از هرگونه اقدام، کنترل، بازرسی، مراقبت و نظارت از آنان در همه دولت‌ها لازم و ضروری است.

اگر پرسیده شود که کنترل و نظارت بر مردم از سوی دولت‌ها، با آزادی انسان‌ها، چگونه قابل جمع است؟ در این قسم از نظارت که آزادی بر قانون‌شکنان، اشرار و ... مطرح است، پاسخ این است در هیچ جامعه‌ای از آزادی مطلق دفاع نمی‌شود و آزادی افراد حداقل دو قید دارد: اول در محدوده قانون؛ دوم آزادی به شرط آنکه به آزادی دیگران آسیب نزنند و مصادیقی که در این قسم از نظارت تحت کنترل و مراقبت قرار می‌گیرند، از آن رو تحت نظارتند که قانون‌گریز بوده و برای آزادی و حقوق دیگران مشکل سازند.

## ۲. نظارت مردم بر دولت

چرا مردم باید بر دولت و اجزای آن نظارت کنند؟ این پرسش یک مفروض اساسی را در خود نهفته دارد و آن این است که مردم نسبت به حکومت، حاکم و عملکرد آنها دارای حق هستند و نسبت به مجاری حکومت محجور نیستند. اگر کسی فرض کند که حکومت از امور مردم و در حیطه حقوق آنها نیست، بحث نظارت مردم بر دولت نیز بی‌معنا می‌شود؛ زیرا از مبانی عمده نظارت آن است که چون ناظر در حوزه مورد عمل حق تصرف دارد، از این رو مستقیم یا غیرمستقیم (با وکالت و ...) اعمال نظارت می‌کند؛ به عبارت بهتر، پیش فرض این قسم از نظارت، پذیرش حکومت‌های مردم‌سالار است.

فایده و حاصل اینگونه نظارت نیز آن است: از آنجا که احتمال قصور و تقصیر در تدبیر امور جامعه می‌رود و از آنجا که هم احتمال خطا از سوی قدرتمندان می‌رود و هم قدرت به قدری جذاب و وسوسه‌برانگیز است که احتمال سوءاستفاده از آن قابل فرض است، از این رو برای جلوگیری از هرگونه خطا، اشتباه و یا خیانت و تصرفات نابجا، مردم باید مجاری مختلفی برای نظارت بر دولت را پیش‌بینی کنند. در عصر جدید، از جمله کارکردهای «حزب» و گروه‌های سیاسی نظارت بر کارکرد دولت‌هاست و

(خدا، فرشته، انسان و ...) و یا گروه و یا دولت و یا یک نهاد فرادولتی و فراملیتی؛ چنانچه نظارت شونده (عامل) نیز می‌تواند فرد، گروه، دولت و نهادهای فرامرزی باشد و عمل نظارت نیز آشکار یا پنهان، مستقیم یا غیرمستقیم و ... محقق شود.

هفتم، مجموعه نظارت‌های مربوط به آدمیان در حیطه‌های سیاسی- اجتماعی، در همه سطوح یاد شده پیش گفته (فردی، گروهی و ...) را می‌توان به چهار قسم نظارت تقلیل داد:

«نظارت دولت بر مردم»، «نظارت مردم بر دولت»، «نظارت مردم بر مردم»، «نظارت دولت بر دولت». در میان این نظارت‌ها، قدیمی‌ترین و با سابقه‌ترین آنها، نظارت قسم اول است. (نظارت دولت بر مردم) و حال آنکه نظارت قسم دوم (مردم بر حکومت و دولت)، به صورت نهادینه و مستمر از قدمت بالایی برخوردار نیست و پیشینه آن به قرون اخیر برمی‌گردد. اگرچه در جهان اسلام و تنها در صدر اسلام و سیره علوی نیز می‌توان از نظارت مردم بر حکام، شواهدی جست.

هشتم، از نکات هفتگانه پیش گفته به‌وضوح می‌توان میان خصایص و ویژگی‌های نظارت با فلسفه نظارت ارتباط برقرار کرد و به سوی این مدعا رفت که در بحث نظارت، نمی‌توان و نباید از فلسفه واحدی در اقسام نظارت‌ها سخن به میان آورد، اگرچه در موارد یاد شده می‌توان به این حد مشترک رسید که در همه این موارد، درک و فهم خطا، نقص و عیبی از دلایل نظارت است. درضمن دیدگاه مورد نظر این مقاله دیدگاه اصلاح‌گرایانه برمبنای متون اسلامی و تعالیم والای دین مبین اسلام است.

## مدل‌های نظارت

### ۱. نظارت دولت بر مردم

چرا باید دولت‌ها بر مردم و آحاد جامعه نظارت کنند و آثار آن چیست؟ از آنجا که در هر جامعه‌ای افراد شرور، قانون‌شکن و مزاحم برای دیگران ایجاد مشکل می‌کنند و از وظایف دولت، ایجاد امنیت عمومی است، از این رو برای داشتن داده‌های مناسب، برای غافلگیر نشدن، برای داشتن بهترین عکس‌العمل‌ها و برای پیشگیری از جرائم، برای کنترل و تعقیب و مراقبت جاسوسان و ... نظارت ضرورت پیدا می‌کند. در یک نگاه، افرادی که برای امنیت مشکل ایجاد می‌کنند، به دو گروه قابل تقسیم‌اند:

امام خمینی (ره) نیز، که درصدد ارائه الگو و نماد حکومتی علوی بود، درباره نظارت مردمی بر حکومت معتقد بودند که: «همه ملت موظفاند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند، اگر من پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن ... تا این کج را راست کنند.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۱۱)

### ۳. نظارت مردم بر مردم

از آن جا که افراد متقلب و شاید در همه کارها و شغلها و فعالیتها ممکن است وجود داشته باشند، از نظر عقلی هم هوشیاری، مراقبت در انجام تلاشها و فعالیتها برای آسیب شناسی و مواجهه درست با خطرات لازم است، از این رو اگر نظارت، نگاههای دقیق به موضوعات است، برای مصونیت از خطرات، باید همه افراد در جامعه حضوری هوشیارانه و کنترل شده داشته باشند و این گونه نگاهها در استیفای حقوق لازم و مفید است.

اما در نگاه دینی، آدمیان و به خصوص مسلمانان نسبت به هم مسئولند. نه تنها نسبت به دیگران از حقوقی برخوردارند، بلکه در مقابل دیگران تکالیفی نیز بر عهده دارند. در احادیثی وارد شده که پیامبر (ص) فرمود: «من اصبح لایهتُم بأمر المسلمین فلیس منہم» «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست» و یا «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین، فلم یجبه فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۲) «هر که بشنود مردی فریاد می زند مسلمانها به دادم برسید و جوابش نگوید، مسلمان نیست» پیش شرط حساسیت نسبت به دیگران برای ادای وظیفه، مراتب و نظر هوشیارانه است و نتیجه آن نیز دارای تکلیف دینی و مسئولیت های شرعی می باشد.

اگر پرسیده شود که آیا بحث امر به معروف و نهی از منکر، که دامنه وسیعی دارد و از جمله حیثه های آن امر و نهی مؤمنان نسبت به یکدیگر است را نیز می توان تحت عنوان نظارت مردم بر مردم آورد؟ به اجمال می توان گفت که اگر کسی عمل و دخالت را از لوازم امر و نهی بگیرد، واضح است که حیثه نظارت با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر تطابق نمی کند، بلکه نظارت شرط لازم امر و نهی است. تا نسبت به دیگران شناخت، مراقبت، دقت و کنترل نباشد، نوبت به امر و نهی نمی رسد و از آنجا که

دلیل کار نیز واضح است؛ چون با پیچیدگی عملکرد دولت ها و گستردگی جوامع و ... امکان نظارت فردی بر ساختار دولت، کاری بسیار صعب و حتی ناممکن است.

نظارت مردمی بر حکومت از نگاه شیعی تا آن حد اساسی و بنیادین است که حضرت امیر (ع) در تولید فرهنگ سیاسی، مردم را به شجاعت، نظارت و اظهار نظر درباره حکومت خودش فرا می خواند و می فرماید:

«بنابراین، آن گونه که با زمامداران ستمگر سخن می گوید با من سخن نگویند و آنچنان که در پیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را جمع و جور می کنید، در حضور من نباشید و به طور تصنعی با من رفتار منماید و هرگز گمان مبرید در مورد حق که به من پیشنهاد کرده اید کندی ورزم و نه اینکه خیال کنید من در پی بزرگ ساختن خویشتم؛ زیرا کسی که شنیدن حق و یا عرضه داشتن عدالت به او برایش مشکل باشد، عمل به آن برای وی مشکلتر است! با توجه به این، از گفتن سخن حق و یا مشورت عدالت آمیز، خودداری مکنید؛ زیرا من، خویشتم را مافوق آنکه اشتباه کنم نمی دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم ...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

درباره کلام امیر مؤمنان (ع) نکات چندی قابل توجه است؛ اولاً گفتن سخن حق به بالاترین مقام حکومتی و ارائه مشورت در کارها و ... منوط و مشروط به نظارتند؛ زیرا تا کسی نداند و نبیند که در شرایط موجود چه چیزهایی و چگونه امور تدبیر می شود، چگونه می تواند اظهار نظر کند؟ و ثانیاً از آنجا که فلسفه نظارت علاوه بر جلوگیری از مشکلات، خطا و سوء استفاده ها، می تواند ارتقای کیفیت مدیریت باشد. دعوت حضرت امیر (ع) از دیگران برای نظارت و مشارکت در حکومت، برای ارائه حکومتی مطلوب تر و کارکردی، مناسب تر است، ضمن اینکه ممکن است مراد حضرت، لزوماً شخص حضرت علی (ع) نباشد، بلکه مراد نظارت و دخالت مردم در ساختار حکومتی است که افراد کثیری در آن فعال هستند و همه آنها امکان خطا و یا حتی سوء استفاده از موقعیت حکومتی را دارند و نظارت می طلبند. چنانکه در مواردی حضرت امیر از شیوه عملکرد استانداران و فرماندارانش به شدت ناراضی بوده و به صورت مکتوب، یا حضوری با آنها برخورد می کردند. (مثلاً نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره در نهج البلاغه).



امر به معروف و نهی از منکر از واجبات است، در نگاه دینی و فقهی شیعی، نظارت بر یکدیگر از باب «مقدمه واجب» واجب تلقی می‌شود. مگر اینکه از نظر اجتهادی با مراجعه به مجموعه نصوص، بتوان بر وجود خود نظارت مردم بر مردم، نه از باب مقدمه واجب، بلکه به عنوان امری واجب، فتوا داد و حکم کرد.

#### ۴. نظارت دولت بر دولت

۴-۱. نظارت و کنترل دولت بر اجزای دولت، در دو سطح قابل تأمل و توجه است:

اول از جهت ساختاری یعنی بر اجزاء و افراد سیستم دولتی تمرکز نکند، بلکه افراد و عناصر را در ارتباط با سایر عناصر و در پیوند با سیستم ببیند.

دوم از جهت انفرادی؛ یعنی کنترل بر آحاد کارکنان دولت به صورت فردی. حسن این تقسیم‌بندی آن است که بهتر چرایی نظارت را تعلیل می‌کند؛ زیرا در برخی سیستم‌ها ممکن است، افراد بسیار فعال و وظیفه‌شناس باشند؛ اما در عین حال به جهت غلط بودن ساختار، تلاش‌ها به ثمر نرسد و نظام مطلوب نباشد و حال آنکه در مواردی، به عکس، ساختار بسیار دقیق، تخصصی و حساب شده پیش‌بینی شده است؛ اما کارکنان آن مجموعه به دلایل عدیده‌ای کارکرد مناسب نداشته باشند. (از نداشتن تخصص و صلاحیت‌های علمی لازم تا فقدان وجدان کاری و ...) و یا ممکن است اشکال هم به ساختار برگردد و هم به افراد. شق چهارمی نیز متصور است که ممکن است محصول نظارت و کنترل دقیق آن باشد که هم ساختار مناسب تعریف شده و هم نیروها کوشا و وظیفه‌شناسند، ولی این نیروها نیاز به تشویق دارند.

۴-۲. فواید نظارت به عنوان متغیر مستقل را یکبار می‌توان به صورت مفهومی، کلی و ارزشی دید و ادعا کرد که از آثار نظارت در مدیریت‌های دولتی آن است که مجاری عدالت و ستم از هم بازشناسی می‌شوند؛ از فواید نظارت آن است که ارتباط با بیگانگان به نفوذ و سلطه بیگانگان و دشمنان بر دولت منتج نمی‌شود؛ از نتایج نظارت آن است که از تعدی ارکان حکومتی بر حقوق مردم جلوگیری می‌شود، از دستاوردهای نظارت آن است که سیره معصومین در حکومت را تداعی می‌کند و ... اما از نگاه جزئی‌تر و خردتر، می‌توان نکات زیر را از محصولات نظارت دانست: جلوگیری از خطا و کاهش تخلفات، جلوگیری از سوء

استفاده، بالا رفتن دقت و سرعت در کار و ارتقای عملکرد، اصلاح رفتار کارگزاران، افزایش اعتماد مردم به مسئولان، جلوگیری از نفوذ خداوندان زر و زور و تزویر بر کارکنان، ایجاد رقابت برای انجام کارهای بهتر و دقیق‌تر، شفاف شدن فعالیت‌ها، هدایت و کمک‌رسانی به دست‌اندرکاران امور، برخورد شایسته با مراجعین، جلوگیری از ضرر و زیان احتمالی بر نظام و تشکیلات، هوشیاری مسئولان و کارآمدی دستگاه‌های دولتی و ...

۴-۳. از فواید نظارت جامع در سیستم‌های دولتی آن است که «گلوگاه» مشکلات نظام را تشخیص داده و مثلاً می‌فهمند که آیا ضعف در «تقنین» است یا در «اجرا» و یا در «نظارت» و پس از تشخیص درد، درمان و نسخه‌پیچی آسان خواهد شد. به عنوان شاهد، در یک نظارت دقیق به این جا می‌رسیم که آیا نهادهای نظارتی موجود کافی هستند، بیشتر از حد لازم‌اند و یا کمتر از حد نیاز و از آن جا که نیروهای نظارتی نیز همانند سایر نیروها و نهادها احتمال خطا و اشتباه دارند، آیا بر ناظران نیز به‌درستی نظارت می‌شود یا خیر؟

۴-۴. نظارت دولت بر ارکان دولت در نگاه دینی نیز سابقه جدی به‌خصوص در سیره علوی دارد.

آن حضرت هم اصل نظارت را مورد اهتمام قرار می‌دادند (شاهد آن نامه حضرت به مالک اشتر: نهج‌البلاغه، نامه ۵۹) و هم نظارت بر کارگزاران را جدی گرفته و اعمال می‌کردند (مثلاً نامه ۴۰، نهج‌البلاغه) و از جمله بر چگونگی تقسیم بیت‌المال (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳) بر مکاتبات کارگزاران (نهج‌البلاغه، نامه ۴۴) بر گفتار کارگزاران (نهج‌البلاغه نامه ۶۳) بر میهمانی‌های کارگزاران (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵) بر رفتار کارگزاران با مخالفان (نهج‌البلاغه، نامه ۱۸) و ... نظارت داشتند و در گزینش کارگزاران حکومتی نیز نظارت داشته و به مسئولان رده بالا حکومت‌شان در انتخاب نیروها تذکر می‌دادند؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) و این نظارت بر نیروی مسلح (نهج‌البلاغه، نامه ۶۱) و ناظران مالیاتی (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵ و ۵۱) نیز اعمال می‌شده است.

اگر پرسیده شود که یک دولت شیعی چرا باید بر ارکان حکومتی‌اش نظارت کند؟ غیر از دلایل عقلی و عقلایی پیشگفته، از جمله می‌تواند استدلال کند که از جهت نقلی و با ارجاع به سیره معصومین (ع) حاکم اسلامی موظف است که برای اعاده

شود، تا با شناخت این شرایط راهکاری عملی در تحقق نظارت مؤثر در جامعه یافت. به هر حال به بیان این شرایط می‌پردازیم:

#### ۱. حاکمیت ارزش‌ها

مراد از «ارزش» مطلوبیت و قیمت است و مراد از ارزش که از آن در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به‌هم‌جا یاد می‌کنند. در بعد اسلامی آن اموری است که مطلوبیت شرعی و عقلی داشته باشد. شاید بتوان اصطلاح «معروف» را مترادف ارزش دینی و عقلی و منکر را مساوق «ضد ارزش» دانست. معیارهایی که به‌وسیله عقل و شرع مطلوب شناخته شود، ارزش است که برای برپایی آن، این همه مجاهدت شده است. جمله ماندنی شهید بهشتی که «انقلاب ما انقلاب ارزش‌هاست» ناظر بر همین مفاد است. از ارزش‌ها گاهی به «اصول» هم یاد می‌شود، که باید مورد پافشاری قرار گیرد و ارزش‌های شاهنشاهی باید منسوخ و منسی شود و ارزش‌های اسلامی و انقلابی حاکم گردد. اگر ما ارزش‌ها را از دست بدهیم و یا معامله و مسامحه کنیم، فقط نامی از انقلاب باقی می‌ماند. جای تطویل کلام نیست؛ ولی باید دانست که «نظارت مؤثر» بدون رعایت ارزش‌ها امکان ندارد.

#### انواع ارزش‌ها

احکام اسلام و حدود الهی، ارزش هستند و باید پیاده شوند؛ تلخ یا شیرین، مکروه یا محبوب (مگر در مقام تزاحم با مصلحت اقوی که باز هم حکم اهم پیاده می‌شود)، شعارهای انقلاب ارزش هستند؛ مانند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی. اینها به هیچ‌وجه نباید خدشه پیدا کنند. فضایل اخلاقی ارزش هستند؛ مانند ایثار، خدمت، احسان، فداکاری، وفاداری، سداد، عدالت، تقوا، دوری از رذایل و گناهان. شخصیت‌های مقدس (معصوم و غیرمعصوم) ارزش هستند؛ چه حقیقی چه حقوقی، شخصیت مقدس کسی است که ارزش‌ها را در خویش نهادینه کرده یا کمترین فاصله را با آنها دارد.

حفظ نظام و انقلاب و اسلام، یک ارزش است. سلامت نظام و معنویت و حراست از آن از دست بیگانگان.

نظارت‌کننده و نظارت‌شونده و سازوکار و سیستم نظارت باید مبتنی بر این ارزش‌ها باشد و کوچک‌ترین تخطی از آن نشود. این ارزش‌ها را باید همه توافق کنند و با یک فرآیند

حکومت مطلوب، به سیره سیاسی علوی و ... تأسی کند، که از جمله نکات مثبت حکومت علوی نظارت آن حضرت و مسئولان رده بالا بر زیردستان و سایر نیروهای تحت امر بوده است. نکته جالب توجه آن است که مجموعاً نگاه نظارتی حضرت امیر بر ارکان حکومت بسیار جدی‌تر، وسیع‌تر و دقیق‌تر از نگاه نظارتی ایشان بر مردم (نظارت حاکم بر مردم) بوده است و مسئولان را بارها به مدارای با مردم، در ابعاد مختلف دعوت می‌نموده‌اند و دولتمردان را خادم مردم می‌دیدند.

۴-۵. از جمله نکاتی که در مقایسه چرایی نظارت حکام بر زیردستان در مطابقت با سایر اقسام سه‌گانه نظارت (مردم بر حاکم، حاکم بر مردم و مردم بر مردم) به‌وضوح قابل استنتاج است، آزمون موفقیت‌آمیز فرضیه نوشتار است که «به جهت گستردگی حیطه‌های نظارتی و علوم متعدد مرتبط با آن، در عین وجود غایات مشترک در اقسام نظارت‌ها، باید از فلسفه‌های متعدد و از سطوح متکثر نظارتی سخن به‌میان آورد.» دیدیم که فلسفه نظارتی حاکم بر مردم، با فلسفه نظارتی مردم بر حاکم و یا حاکم بر اجزای حکومتی و ... یکسان نیست و به فلسفه‌های نظارت می‌رسیم.

با اضافه کردن این نکته که اقسام نظارت‌های چهارگانه که در این قسمت با عنوان فلسفه نظارت به‌عنوان متغیر مستقل مورد مذاقه قرار گرفت، جملگی به ابعاد جمعی نظارت توجه دارند و حال آنکه نظارت از نگاه دینی، یک بعد بسیار قوی فردی دارد، که یک مؤمن باید بر نفس و جاننش، بر جسم و روحش و بر عقل و قلبش نظارت داشته باشد. اگر فلسفه و چرایی این نظارت را که خودسازی، کنترل بر خود و ... است، با سایر اقسام نظارت مقایسه کنیم، باز ضمن وجود ابعاد مشترک، به‌دلایل متفرقی درباره فلسفه نظارت می‌رسیم و این نکته دقیقاً مؤید فرضیه نوشتار و در راستای آن است.

#### شرایط نظارت مؤثر

شاید به نظر بیاید که با وجود بیان «موانع» و بیان راه‌های زدودن آنها، از بحث شرایط بی‌نیاز می‌شویم. در حالی که با دقت و تعمق می‌توان تفاوت آن دو را دریافت. در این قسمت تلاش شده است تا به تبیین شرایط نظارت مؤثر و شاخصه‌های آن پرداخته

این آیه گویاتر از آیه قبل و مقارن آن است که بدون شرح، شرط نظارت مؤثر را بیان می‌کند. نفی خویش‌گرایی و خویشاوندگرایی و هوا و هوس‌خواهی می‌کند و امر به عدالت و حق و تقوا می‌نماید. اگر شعار ندهیم و واقعاً مسلح به عدالت و تقوی شویم، از حق عدول نمی‌کنیم، ولو به ضررمان باشد و این همان «خود نظارتی» است، که مسلماً:

هر که در این بزم مقرب‌تر است

جام بلا بیش‌ترش می‌دهند

هر چه رده بالاتر، درجه «خود نظارتی» و «نظارت از درون»

بالاتر.

این کار نیاز به یک نهضت اخلاقی و معنوی دارد که در کنار نهضت خدمت‌رسانی و نهضت نرم‌افزاری - که مقام معظم رهبری کلید آن را زده‌اند - می‌تواند حلقه نهضت‌ها را تکمیل و متمم نماید.

## ۲. حاکمیت قانون

البته وقتی سخن از حاکمیت ارزش‌ها شد، دیگر موارد، ذیل آن است یا از باب ذکر خاص بعد از عام است و به مناسبت تأکید و اهمیت، مواردی همانند «حاکمیت قانون» را ذکر می‌کنیم: قانون میزان نظم است که مورد توافق عقلای قوم قرار گرفته و مبنای عمل اجتماعی است. البته قانون باید شفاف بوده و ابهام نداشته باشد که خود تبدیل به ضد نظم می‌شود و مصداق «از قضا سر کنجبین صفا فرود» می‌شود. قانون شفاف و عادلانه و بازنگری شده و پویای غیرمخالف با مبانی اسلام، که مورد توافق همه جناح‌ها و گروه‌های وابسته به انقلاب و اسلام باشد و اجرای مو به مو شود و تفسیر به رأی نگردد و دچار «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» نشود. نظارت را سالم می‌کند. چه قانونی که شورای نگهبان تصویب کند یا مجمع تشخیص مصلحت و یا مجلس خبرگان و یا هر نهاد دیگر که قانون به آن اجازه تقنین داده است. همه باید تسلیم قانون شوند، رهبر فقید و جدید، هر دو بر این نکته پافشاری داشته و دارند.

آنچه مسلم است، نهادهای حکومتی تنها یک وظیفه دارند و آن اجرای قانون است. قانون باید سرلوحه اعمال و اقدامات هر یک از مسئولان باشد و مسئولان نیز با درک صحیحی از قانون و اجرای منصفانه و بی‌طرفانه آن، از بروز تنش‌ها، اختلافات و منازعات جلوگیری کنند و بدین‌وسیله نگذارند که غوغاسالاری،

«خودنظارتی» هر کس فاصله دارد، خود را بسازد و توبه کند و فاصله خود را با ارزش‌ها کم کند. نظارت‌کننده باید بداند در هر شرایطی مورد نظارت خدای متعال است و «ان الشاهد هو الحاکم». نظارت‌شونده هم باید تسلیم ارزش‌ها باشد و اگر فاصله دارد جز خویش کسی را ملامت نکند. اگر ناظر حافظ ارزش‌هاست و هدف او از نظارت حفظ ارزش‌هاست، باید از ملامت ملامت‌گران نهراسد.

نظام هم در مقام توبیخ عادلانه ناظر و منظور بر طبق دوری و نزدیکی ارزش‌ها عمل کند. به نظر می‌رسد عدالت و تقوا، محوری‌ترین ارزش‌هایی هستند که با وجود آنها، سایر ارزش‌ها هم حفظ می‌شود و با نبود آنها هم ارزش‌ها مفقود می‌گردد.

دو عنصر گرانبیاب و کمیاب، که باید ملکه شود؛ یعنی نهادینه گردد. این دو است که ناظر و منظور را از گروه‌گرایی، گرایش‌های سیاسی، شهوانی، دنیوی و اخروی مصون می‌دارد. ترس از خدا را جایگزین ترس از انزوا و از دست دادن مقام قرار می‌دهد. باید بر این دو عنصر تأکید شده و نماد و تابلو گردد.

این دو اصطلاحاً عامل «نظارت درونی» یا «خود نظارتی» محسوب می‌شوند که در صورت تحقق، راه نظارت بیرونی هموار می‌شود یا کمترین نیاز به آن است.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی، با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. عدالت کنید که به تقوی نزدیک‌تر است و از معصیت خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» (مائده/آیه ۸)

این آیه به شکل گویا بر عدالت و تقوا در قیام و شهادت و نظارت و امثال آن دعوت می‌کند، لیبیک به همین یک آیه نظارت مؤثر را تضمین می‌نماید.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا شهادت دهید، اگرچه این گواهی به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد. چرا که اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاواتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (نساء/آیه ۱۳۵)



زورگویی، اعمال فشار و زیاده‌خواهی در جامعه اسلامی پا بگیرد. باید با قانون‌شکنی مبارزه کرد. زمانی که قانون ملاک عمل شود و رقابت‌های حزبی و جناحی به گوشه‌ای روند، مردم احساس اعتماد می‌کنند و تنها همین حسن اعتماد مردم است که پایه‌های نظام را محکم می‌کند. نظارت‌های غیرقانونی یا فراقانونی اعتماد زداست.

### ۳. حاکمیت مردم

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

«در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است، براساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین، نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار، متعهد و فقهای عادی امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است: «الی الله المصیر» تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید. (تخلقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماعی در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.»

مقام معظم رهبری در ارتباط با جایگاه مردم در نظام اسلامی می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد. مسئله اساسی که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلام‌گرایی در نظام اسلامی از مردم جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم نظام اسلامی، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند و پایه و اساس حق ... خود اسلام است.» (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۱۱)

در این زمینه نباید دچار افراط و تفریط شد، مردم‌سالاری نه به معنای شرکت در انتخابات یا راه‌پیمایی به شکل زینت است «نه به شکل پوپولیسم که به‌معنای عوام‌زدگی است و تولد آن در روسیه است؛ بعد از انقلاب اکتبر، که دهقانان را مقدس و محور قرار داده بودند، بلکه مردم در چارچوب اسلام نقش دارند، رضایت

آنها مبنای مشروعیت نظام نیست؛ ولی پایه مقبولیت است و مقبولیت طبق مقدمه قانون اساسی اساس بقای نظام اسلامی است. بنابراین، با نگاهی اعتدالی به مردم، باید رضایت‌مندی آنها را در چارچوب اسلام ملاک قرار داد. هر نظارتی که مایه خروج مردم مؤمن و انقلابی از صحنه و مایه سرخوردگی و دلزدگی آنهاست، نظارتی غیرمؤثر نام دارد. صرف اینکه رضایت مردم شرط نیست، مصلحت آنان باید در نظر گرفته شود، ولو قاعدتاً حرف متینی است؛ ولی عمومیت ندارد. رضایت‌مندی آنها هم در استحکام یک نظام شرط است که باید با ظرافت به آن دست یافت. ناظران در حقیقت چشم مردم هستند و نباید چشم‌های نافرمانی باشند؛ برای مثال در صحنه انتخابات تا می‌توانیم باید گزینه‌های مورد قبول مورد را با نظارت غیرمؤثر از صحنه خارج نکنیم تا مشارکت کنند و این نه به آن معناست که عناصر خائن را در اندام نظام بیاوریم و حفظ کنیم. حضور مردم رابطه مستقیمی با اعتماد آنان به مسئولان دارد. این اعتماد، جز از طریق عملکرد قانونی مسئولین به دست نمی‌آید.

### ۴. حاکمیت اسلام

در اصل چهارم قانون اساسی با اشاره به حراست از احکام اسلام آمده است:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیراینها باید براساس موازین اسلام باشد.» در قانون بر حاکم بودن این اصل بر اطلاق و عموم همه اصول قانون اساسی تصریح شده است.

بی‌شک قوانین نظارتی هم مبتنی بر احکام اسلام استوار می‌شود. هم و غم نظارت‌کننده و نظارت‌شونده حفظ اسلام است و همه در مقابل احکام اسلام محکوم هستند.

«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری در مقابل فرمان خدا داشته باشد و هرکس نافرمانی خدا و رسولش را کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.» (احزاب/آیه ۳۶)

«البته ما مجمع تشخیص مصلحت داریم. اما آن مصلحتی که به‌خاطر آن در یک قانون باید از مخالفت با شرع در کشور بگذرد. باید مصلحت خیلی بالایی باشد.» (از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۱ مهر ۸۰)

### حفظ قداست‌ها

قداست در لغت به معنای طهارت و نزاهت و دوری از نقص است و برخی صاحب‌نظران آن را به معنای محبوبیت همراه با احترام شدید می‌دانند. انسان طبعاً به علت پاکی و کمال خاصی که در شخصیتی سراغ دارد، به او محبت ورزیده و احترام خاص می‌گذارد، از سویی روح دین را قداست تشکیل می‌دهد؛ به طوری که تمام ادیان الهی بر احترام گذاردن خاص به خداوند و هر چه و هر کس به او منسوب است، تأکید می‌ورزند. روایات ما هم بر این مطلب تأکید دارند «هل الايمان الا الحب» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۸)؛ «آیا ایمان جز محبت و دوستی، امر دیگری است؟»

کیان شیعه و حیات آن در زمان غیبت با همین قداست حفظ شده است. در طول تاریخ مردم برای مراجع خود احترام خاصی قائل بوده‌اند. دشمنان نیز همواره از این قداست در هراس بوده‌اند. آنها دریافته‌اند قداستی که مردم برای رهبری و ولایت امر قائلند، نظام و انقلاب را بیمه کرده است. از این رو تمام تلاش خود را برای شکستن این قداست به کار گرفته‌اند. رهبری باید نظارت شود و مورد انتقاد قرار گیرد؛ ولی با روش صحیح و خیرخواهی و الا دیگر کسی امر او را مطاع نمی‌داند و عمل کردن به دستورهای او را وظیفه شرعی نمی‌شمارد و این به نفع دشمن است. «ملاحظه می‌شود که مراجعه به مجلس، راهکاری مناسب برای شکایت است. شکایت نوعی انتقاد است (و نوعی نظارت). این عمل موجب حفظ حرمت نهادهای مذکور خواهد بود.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵)

به هر حال یکی از شرایط نظارت حفظ حریم‌ها و قداست‌هاست. مقدسات مانند ستون‌های خیمه هستند، نباید شکسته شوند. در این صورت هیچ کس در امنیت معنوی نخواهد بود. در یک نگاه، هر فرد مؤمن مقدس است و باید ایذاء و توهین نشود. بله، اگر کسی خودش قداست خود را از بین برد، از حلقه حرمت و مصونیت خارج می‌شود و در مورد فاسق همه چیز آزاد است، از جمله غیبت.

### خصوصیات سیستم‌های کنترل کارآمد و مؤثر

ویژگی‌های سیستم‌های کنترل کارآمد، این است که پیوندی

قوی با سیستم برنامه‌ریزی داشته باشد، دقیق و به هنگام باشد، حوزه‌های اجرایی عینی کلیدی را کنترل کند، قابل اندازه‌گیری باشد، صرفه‌جویی را رعایت کند، انعطاف‌پذیر و قابل درک باشد، معیارهای منطقی ارائه کند، بر تعیین محل استراتژیک و موارد استثنا تأکید ورزد و اقدام اصلاحی ضروری را پیشنهاد کند.

#### ۱. پیوستگی برنامه‌ریزی

وقتی وظیفه نظارت با برنامه‌ریزی ارتباط نزدیکی داشته باشد، سیستم‌های نظارت می‌تواند بازخوردهایی درباره پیشرفت به سوی هدف‌ها فراهم کند یک برنامه استراتژیک (راهبردی) براساس عواملی از قبیل مرحله تکامل و موقعیت رقابت سازمان پدید می‌آید. سپس این برنامه استانداردهای اجرایی مناسب برای اندازه‌گیری پیشرفت‌های آینده هر بخش را تعیین می‌کند.

#### ۲. دقت

کارآمدی سیستم‌های کنترل و نظارت به جمع‌آوری و انتشارات اطلاعات مؤثق و معتبر نیاز دارد. اگر داده‌های کنترل دقیق نباشد مدیران تصمیم‌های نادرست اتخاذ می‌کنند و به اقدامات نامناسب دست می‌زنند. وقتی مدیران سیستم‌های کنترل را اجرا می‌کنند، باید مطمئن باشند که داده‌های معتبری را به دست می‌آورند و آنها را به اطلاعات دقیق تبدیل می‌کنند. «آنسان همگی در یک صف در پیشگاه پروردگارت عرضه می‌شوند و به ایشان گفته می‌شود که همگی نزد ما آمدید ... و کتاب (نامه اعمال) آنجا گذارده می‌شود، پس گنهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است ترسان و هراسانند و می‌گویند: وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را به‌شمار آورده است و این در حالی است که همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند.» (کهف/آیه ۴۹)

این آیه نشان می‌دهد که نظارت‌ها باید بسیار دقیق انجام گیرد.

#### ۳. به هنگامی

داده‌های کنترل باید به‌طور مستمر و به اندازه کافی برای مدیران مسئول فراهم شود و به آنها امکان دهد تا وقت باقی است اقدام سرنوشت‌سازی انجام دهند، بدون اطلاعات به‌هنگام، کنترل موقعیت‌های دشوار به صورت فاجعه‌ای در خواهد آمد.

#### ۴. تعیین حوزه اجرایی کلیدی

بنابراین، گاهی اوقات ضروری است در شرایط حساس، کنترل‌های ساده‌تری جایگزین کنترل‌های پیچیده شود. درک نکردن سیستم کنترل می‌تواند موجب اشتباهات غیرضروری، دلسردی نظارت شوندگان و سرانجام نادیده گرفتن و قهر با سیستم مزبور شود (و در مقابل آن، مقاومت انجام گیرد).

برای فراهم کردن داده‌های مناسب برای کنترل فرآیند عملیات، مدیران زمینه‌های خاصی را که باید پی‌گیری شود، تعیین می‌کنند. مدیران می‌توانند با نفوذ بر آن قسمت از فرآیند عملیات که واجد اهمیت است یا با تغییر آن، عملکرد سازمان را اصلاح کنند. وقتی حوزه‌های کلیدی تعیین شوند، مدیران خواهند توانست نتایج را اندازه بگیرند و درباره اقداماتی که باید انجام بدهند فکر کنند. حوزه‌های کلیدی جنبه‌هایی از یک واحد است که باید به‌طور مؤثری عمل کند تا کل واحد موفق شود. استونر (۱۹۹۵) به عنوان نمونه «روابط کار، جابه‌جایی نیروی کار، غیبت نیروی کار» را از حوزه‌های کلیدی می‌داند.

#### ۵. عینیت و قابلیت اندازه‌گیری

۹. معیارهای منطقی  
استانداردهای نظارت باید منطقی و قابل دستیابی باشد. اگر آنها بسیار بالا یا غیرمنطقی باشند، نمی‌توانند برای مدت طولانی مایه انگیزش شوند؛ زیرا افراد اغلب نمی‌خواهند برچسب نالایق و بی‌صلاحیت بخورند. در نتیجه به شیوه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی پناه برده می‌شود (مانند تحسن و تجمع) بنابراین باید معیارهای نظارتی به‌گونه‌ای باشد که بدون تشویق به روحیه فریبکاری در کارکنان، آنان را به رشد امیدوار سازد.

اگر داده‌های کنترل، ذهنی و کیفی باشند به آسانی نمی‌توانند امکان مقایسه افراد، واحدها، چارچوب‌های زمانی و سایر عوامل را برای تصمیم‌گیران فراهم کنند. برای مثال این داده که «پروژه اندکی از برنامه عقب‌تر است» و «تعدادی از معایب نرم‌افزارها که مورد انتظار می‌باشد» کیفی و ذهنی است و نافع نیست و داده «پروژه پنج روز عقب‌تر از برنامه است» و «معایب نرم‌افزارها حدود ۲٪ از استاندارد اجرایی فراتر رفته است» عینی و کمی و نافع است و به اقدامات اصلاحی کمک بیشتری می‌کند.

#### ۱۰. تعیین نقاط راهبردی (استراتژیک)

نمی‌توان هر فعالیتی را نظارت کرد. حتی اگر توان آن باشد. منافع حاصل از کنترل نمی‌تواند هزینه‌های مصرفی را توجیه کند. نظارت‌ها باید وقایع حیاتی را شامل شود. فعالیت‌هایی که احتمال وقوع انحراف از ارزش‌ها در آن بسیار است، یا جایی که انحراف بیشترین صدمه را به نظام وارد می‌نماید.

#### ۱۱. اجرای اقدام اصلاحی

این مهمترین جزء علت تامه و شرط مؤثر در نظارت کارآمد است. باید اقدام ضروری به شکل نافع برای اصلاح انحرافات پیشنهاد شود.

۶. صرفه‌جویی  
یک سیستم کنترل باید از نظر اقتصادی برای اجرا مناسب و در مقابل هزینه‌هایی که صرف می‌کند، منفعی در برداشته باشد که آن را موجه جلوه دهد. باید تلاش کرد تا با حداقل هزینه، حداقل کنترل برای دستیابی به نتایج مورد انتظار اعمال شود.

مواردی که باید کنترل شود و تحت نظارت قرار گیرد:

افراد، منابع مالی، عملیات و فعالیت‌ها، اطلاعات و موفقیت و کارآمدی، اموری هستند که باید دائماً مورد نظارت واقع شوند.

#### ۷. انعطاف‌پذیری

کنترل‌های کارآمد و «نظارت مؤثر» باید برای مطابقت با تغییر نامطلوب با استفاده از فرصت‌های جدید انعطاف‌پذیر باشند. تعداد کمی از سازمان‌ها با محیط‌های باثباتی مواجه‌اند که نیاز به انعطاف‌پذیری ندارند. حتی ساختارهای کاملاً ماشینی، مستلزم کنترل‌هایی هستند که بتوانند آنها را با تغییر زمان و شرایط منطبق کنند.

#### ابزار نظارت

داده‌های آماری، گزارش‌ها و تحلیل‌های ویژه، حسابرسی، مشاهده شخصی، از نمونه ابزارهای نظارت هستند.

نظارت در منابع اسلامی و نظام نبوی و علوی

#### ۱. نظارت در معنایی عام و انواع آن

در منابع و آموزه‌های دینی، دستورات صریح و روشنی در مورد نظارت و ضرورت آن وجود دارد و مدیران مسلمان به

#### ۸. قابلیت درک

نظارت‌هایی که به آسانی درک نمی‌شوند ارزش ندارند.

را نیز با آنان می‌فرستاد تا خبرها را به‌طور پنهانی به آن حضرت برساند.»

علی(ع) نیز با تدبیر و سازماندهی گسترده، نظارت و کنترلی سازمان یافته و دقیق را در فراخنای جامعه اسلامی سامان داده بود و انواع و اقسام نظارت‌های پیشگفته، در حکومت ایشان مشهود بود، هر چند فکر و تشریح کلیه مراحل و مستندات این بازرسی از حوصله این مقاله خارج است.

در سیره امام علی(ع) انتخاب مدیران اصلح و کارآمد، اعمال سیستم هشداردهی و پیشگیری نسبت به خلاف‌های احتمالی مدیران، مراحل پیشینی قبل از نظارت می‌باشد؛ یعنی کارگزاری مدیران شایسته و کاردان و اعلان هشدارهای لازم به‌تنهایی موجد مدیریت بهینه و کارا نیست، بلکه در مراحل بعدی نظارت و کنترل سامان یافته‌ای برای ارزیابی عملکرد لازم است.

جالب اینجاست که بازرسان نیز در سنت علوی می‌باید از افسراد لایق، خیره، کاردان، بصیر، خبیر، امین و تیزبین انتخاب شوند و امام(ع) در موارد متعددی صفات ممدوح و ایجابی بازرسان را با تأکید به عمال و کارگزاران خود گوشزد می‌نماید و برای مثال می‌فرماید:

«و ابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم... (نهج البلاغه، نامه ۵۳) فاستعملهم اختیاراً و لاتولهم محاباه و اثره» (پیشین)

«بازرسانی را بر آنان اعزام کن که اهل راستی و وفا باشند... آنان را براساس خبروت و شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازات نابجا، به کار نگیر.»

امام(ع) در بخش‌های دیگر، علاوه بر لحاظ کردن موارد پیش گفته، بشدت بر تنبیه خائنان و فاسدان پس از بازرسی پای می‌فشارد و در توصیه‌های خود به مالک می‌فرماید:

«با فرستادن مأموران مخفی - که اهل صدق و راستی و وفا باشند- کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهایی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاحظت با مردم وادار می‌سازد و با دقت فراوان، مواظب اعوان و انصار و کارگزاران خود باش و براعمال ایشان نظارت کن و چنانچه یکی از آنان، دست به خیانتی زد و مأموران مخفی تو، به‌طور جمعی آن را تأیید کردند، باید که به آن اکتفا نمایی، آن‌گاه وی را در مقام خواری و مذلت

داشتن یک نظام کامل، جدی و عادلانه برای کنترل بر سازمان سفارش شده‌اند. نظام کنترلی که می‌توان از منابع دینی استخراج کرد، نظامی جامع، کامل، عادلانه و منحصر به‌فرد است. در این نظام، خداوند متعال و فرشتگان الهی، ناظر بر اعمال، رفتار و نیات انسان‌ها معرفی می‌گردند و به انسان‌ها گوشزد می‌شود که همواره در محضر خدا هستند و فرشتگان در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار آنان هستند و بنابراین، باید مواظب اعمال و رفتار خود باشند. براین اساس، بحث نظارت انسان بر عملکرد خویشتن؛ به عبارت بهتر، مسئله «خودکنترلی» مطرح می‌شود. به انسان مسلمان توصیه می‌شود که همواره بر اعمال و رفتار خود نظارت داشته باشد و پیش از اینکه عملکردش مورد ارزیابی و سنجش دیگران قرار گیرد، خود عملکرد و رفتارش را ارزیابی و حسابرسی کند.

علاوه بر این دو نظارت، مسئله نظارت عمومی و همگانی مطرح است و به همه مسلمانان دستور داده شده است که در مقابل دیگران احساس مسئولیت کنند و در صورت مشاهده عملکرد نادرست یا انحراف از اهداف و تخیلف از وظایف، تذکر دهند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. همچنین مسئله نظارت آشکار و پنهانی مطرح شده است. بنابراین، نظام جامع، کامل و نظارتی که می‌توان با استفاده از منابع و آموزه‌های دینی استخراج کرد، دارای بخش‌ها و انواع زیر است:

۱. نظارت خداوند متعال (نظارت الهی)،
  ۲. نظارت فرد بر اعمال خود (خودکنترلی)،
  ۳. نظارت عمومی (نظارت همگانی)،
  ۴. نظارت سازمانی:
- الف) نظارت آشکار و رسمی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم،
- ب) نظارت مخفی و پنهانی.

امر خطیر نظارت و کنترل در سنت و سیره نبوی هم کاملاً رعایت می‌شده است. حضرت امام رضاع(ع) در این باره می‌فرماید: «کان رسول الله(ص) اذا وجه جیشا فأمهم امیر بعث معهم من ثقاته من یتجسس له خبره» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱۰۰، ص ۶۱) «سیره پیامبر خدا(ص) چنین بود که هرگاه لشگری را اعزام و امیری آن را فرماندهی می‌کرد، یکی از افراد مورد اعتماد خود

جاسازی شده است، خطاب به فروشنده فرمود: «می بینم که خیانت به مسلمانان و گول زدن آنان را یکجا جمع کرده‌ای!» (کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱۶۱).

در روایت دیگری، مانند این حادثه رخ داد و پیامبر خدا به فروشنده دستور داد که جنس خوب و بد را از هم جدا کند و بعد فرمود: «در دین ما غش و گول زدن جایز نیست.» (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۹۰).

«امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) عادت داشت که هر روز صبح به یکایک بازارهای کوفه سر می زد، در حالی که تازیانه‌ای دو شاخ به نام «سیبه» به همراه داشت. در هر بازاری می ایستاد و با صدای بلند می فرمود:

ای تاجران، پیش از داد و ستد، از خداوند خیر و نیکی بخواهید و با آسان گیری در معامله، از خداوند برکت بجوید و به خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید تا از شما بگریزند) و خود را به زینت علم و بردباری آرایش دهید و از دروغ گفتن و قسم خوردن بپرهیزید و از ظلم و ستم کناره گیرید و با مظلومان به انصاف رفتار نمایید و به رباخواری نزدیک نشوید.» (کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۱۰۴).

## ۲. نظارت درونی یا خودکنترلی

این نوع نظارت در منابع دینی و اسلامی به خوبی قابل مشاهده است. در مقایسه با نظارت بیرونی، خود کنترلی بهترین و کارآمدترین سازوکار برای کنترل عملکرد افراد در قالب زندگی فردی، اجتماعی و نهادهای سیاسی و مدیریتی است؛ زیرا نظارت و کنترلی که از بیرون بر افراد و عملکرد آنها می شود، در صورتی جامع و «اثربخش» خواهد بود که این افراد از درون نیز بر خود نظارت کنند؛ چرا که نظارت بیرونی قابل اعمال بر این موارد نیست. علی (ع) در تبیین اصل نظارت درونی می فرمایند: «جعل من نفسک علی نفسک رقیباً» «از خودت مراقبی برای خویشتن قرار ده!» همچنین حضرت سجاد (ع) نظارت درونی و خود کنترلی را عامل اصلی حرکت انسان در مسیر صحیح هدایت و تکامل دانسته و می فرماید:

«بن آدم انک لاتزال بخیر ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۹) «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر قرار خواهی داشت،

بنشان و داغ خیانت بر پیشانی او بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیفکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در عبارت بالا امام (ع) نظارت و بازرسی راحتی برای اعوان و انصار و نزدیکان حاکم نیز ضروری شمرده و آنها را هم از این امر مستثنی نکرده است. ضمن آنکه تعبیر «وابعث العیون» می رساند که در صورت لزوم، اعزام بازرسان از مرکز و یا از یک منطقه دیگر، امری ضروری است. فرمان حضرت مبنی بر تأکید بر جنبه مخفی بازرسی نیز واجد اهمیت است؛ زیرا نظارت و کنترل پنهانی و مخفی، دارای آثار مثبت و فراوانی مانند ترغیب کارکنان به امانت داری و مدارا با مردم است همچنین جمله نخست امام در این فرمان (ثم تفقد اعمالهم)، کاوش و پیگیری و جست و جو و مراقبت و مانند آن را می رساند. البته واژه تفقد در چند بخش عهدنامه از فرمان امام به مالک تکرار شده، که بیانگر حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است؛ از جمله نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت‌المال و تأکید بر تولید، سرمایه‌گذاری، آبادانی، عمران و نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی، تجارتي، صنعتی و رسیدگی به همه امور مربوط به بازرگانان، صنعتگران، کسبه و تجار و خدمات مرتبط با آنهاست.

در نامه‌های متعددی در نهج البلاغه (از جمله در نامه‌های ۳، ۱۹، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۶۳ و ۷۰) امام (ع)، رسیدن گزارش بازرسان و مأموران ویژه و ناظر رسمی و غیررسمی خود را با استفاده مقدماتی از عبارت «بلغنی» یا «فقد بلغنی عنک ...» و ... بیان کرده است. البته در فرموده‌های ایشان، تعابیر و عناوین دیگری نیز در این رابطه مانند «تفقد»، «تحفظ»، «وابعث العیون»، «تعاهد» و «رقی الی عنک» نیز دیده می شود.

البته هم در سیره نبوی و هم در سیره علوی، نظارت علنی و آشکار، هم به شکل مستقیم (به وسیله خود ایشان) و هم غیرمستقیم (به وسیله نمایندگان) صورت می گرفته است. در روایتی، نقل شده است که پیامبر خدا (ص) در بازار مدینه از جنسی که فروشنده‌ای می فروخت خوشش آمد و قیمت آن را پرسید. خداوند از طریق وحی به پیامبر دستور داد که دست در داخل ظرف آن کالا فرود برد. حضرت آن دستور را اجرا کرد و دید که در قسمت زیرین ظرف، جنس نامرغوبی



کنترل و نظارت همگانی از جایگاه ویژه و با اهمیتی برخوردار است و در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر آن شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«شما بهترین امتی بوده‌اید که برای انسان‌ها پدیدار شده‌اید (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران/آیه ۱۱۰)

در این آیه ویژگی بارز بهترین امت، که همان امت اسلامی است؛ امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است؛ نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر) مایه کنترل عمومی و احساس مسئولیت همگانی نسبت به یکدیگر شده و با چنین نظارتی، نقاط ضعف و قوت در هر رده‌ای بهتر و سریعتر تشخیص و رفع می‌شود.

دو وظیفه بسیار مهم و کارساز «امربه معروف» و «نهی از منکر» در معارف اسلامی و سیره علوی، به صورت گسترده و روشن مورد عنایت و تأکید واقع شده و در حقیقت همان نظارت به مفهوم عام و فراگیر است. کسی در ترک این دو وظیفه خطیر معذور نیست و بهانه سهل‌انگاری و فرار از مسئولیت یا ضعف و عجز و جهل، نمی‌تواند مانع انجام وظیفه شود، بلکه در صورت لزوم، باید شرایط و مقدمات انجام وظیفه را فراهم کرد. ماحصل کاربرد و تحقق این دو وظیفه، افزایش بازدهی و کارایی در تمام سطوح نظام سیاسی و برکات بی‌شمار اجرایی و کاری است.

نقش «عیون» و «عریف» و «نقیب» و عوامل بازار و مأموران حسبه و «محتسب» نیز، در صدر و تاریخ اسلام و دوران خلفا، به این مینای عمیق و ریشه‌دار اسلامی بر می‌گردد. اداره و یا نهاد حسبه و نیز بحث آمرین به معروف و ناهیان از منکر و نیز بحث نظارت عمومی و نظارت بر صحت جریان امور و بحث تعزیر و تأدیب و تعزیرات حکومتی، از همین مفهوم بلند نشأت گرفته است و در واقع ترجمان این آیه شریفه است:

«مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو امر و از کار زشت نهی می‌کنند...» (توبه/آیه ۷۱)

وظیفه مردم و جامعه در این رابطه بسیار حساس و شفاف و ارزشمند است. در فرهنگ علوی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و نقد عملکرد حکام و کارگزاران و انتقاد سالم و سازنده و مؤثر و نظارت و پیگیری امور از سوی مردم، به عنوان یک وظیفه

مادامی که موعظه‌کننده‌ای از درون داشته باشی و حسابرسی از خویشتن از کارهای اصلی تو باشد.»

در اندیشه اسلامی، نظارت درونی و خودکنترلی صرفاً مبتنی بر انگیزه بیدارسازی وجدان فردی یا تقویت حس ملیت خواهی نیست، بلکه مبنا و انگیزه بنیادین آن، چیزی جز ایمان و اعتقادات دینی نیست؛ برای مثال اعتقاد به قیامت و معاد و باور به اینکه همه اعمال ریز و درشت انسان روزی مورد حسابرسی دقیق و عادلانه قرار خواهد گرفت، یکی از عوامل اصلی ممانعت از کم‌کاری‌ها، سهل‌انگاری‌ها و خیانت‌ها در روند انجام امور و سعی در انجام آن به بهترین و کاراترین وجه موجود است. از چنین منظری کاهش سهل‌انگارانه بازده کار، نوعی آلودگی به معصیت الهی و مستوجب عقاب در آخرت و حسابرسی در آن روز است:

پیامبر خدا (ص) در ضرورت توجه به حسابرسی و نظارت درونی نفسانی می‌فرماید:

«حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر» (مجلسی، پیشین، ج ۷۰، ص ۷۳).

«پیش از اینکه به حساب شما برسند، خودتان را محاسبه کنید و قبل از اینکه شما را ارزیابی کنند، خودتان را سنجیده و برای رستاخیز آماده شوید.»

نتیجه بلافاصل تقویت اعتقادات دینی و خودکنترلی در سطح جامعه، سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و مدیریتی، بهره‌مندی از سازوکاری ارزانتر به نسبت نظارت‌های بیرونی برای دستیابی به کارایی و کارآمدی و بازده بیشتر و جلوگیری از اختلالات و انحرافات در این زمینه است، در چنین صورتی همه درصدد انجام امور به نحو احسن بوده و در صورت بروز هرگونه عیب و نقصی در عملکردشان، به سرعت درصدد رفع آن خواهند بود.

### ۳. نظارت بیرونی و عمومی

در سامانه نظارتی اسلام، مسئله کنترل بر سازمان، عملکرد، کارایی و کارآمدی کارکنان، تنها در چارچوب وظایف و اختیارات مدیران و مسئولان سازمان‌ها و حاکمان خلاصه نمی‌شود، بلکه همه اعضای سازمان و نظام سیاسی موظفاند براساس یک وظیفه شرعی بر عملکرد دیگر اعضای سازمان و شهروندان حکومت و حتی عملکرد مدیران و حکمرانان نظارت داشته باشند. این

#### ۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، مقدمه برخی از تکالیف عقلی است، از این رو، به حکم عقل، لازم و واجب است. توضیح آنکه یکی از احکامی که عقل آن را درک می‌کند «وجوب حفظ نظام» است. خرد همه انسان‌ها در می‌یابد که نظم زندگی بشر، باید پایدار باشد و لازم است که در برابر عوامل تهدیدکننده، حفظ گردد. بر همین مبناست که عقل، به لزوم تدارک همه امور، که در حفظ نظام نقش دارد، حکم می‌کند. یکی از این عوامل امر به معروف و نهی از منکر است که در پایداری زندگی اجتماعی و آسیب‌ناپذیری آن تأثیر جدی دارد. از این رو، به عنوان مقدمه یک واجب عقلی واجب است. بنابراین، علاوه بر اینکه مردم حق دارند در حوزه رفتار و روابط فردی و یا متقابل اجتماعی خویش امر به خوبی‌ها و معروف‌ها بوده و از بدی‌ها و منکرات بری باشند و آنها را نهی کنند؛ همچنین می‌باید به عنوان یک شهروند جامعه اسلامی را از انجام این فریضه مهم نسبت به کلیه کارگزاران سیاسی خویش دریغ نورزند و این وظیفه را در هر عصری با بهترین شیوه و قالب‌های رایج زمان خویش انجام دهند.

#### ۲. نصیحت زمامداران یا ائمه مسلمین

نصیحت زمامداران در فرهنگ اجتماعی مسلمین، پیشینه‌ای دیرینه دارد. نصیحت؛ خیرخواهی و دلسوزی است، یعنی هر گفتار یا عملی که در آن خیر منصوح، منظور شده باشد. ناصح با نصیحت خویش به ترمیم نقاط ضعف و کاستی‌های منصوح می‌پردازد، از این رو، نقش ناصح در اصلاح افراد، نقش حیاتی است که لباس کهنه، به دست او جلوه تازه‌ای پیدا می‌کند و نواقص آن برطرف می‌گردد. بر این اساس و برطبق منابع اسلامی، وظیفه «نصیحت» در مقابل رهبر جامعه اسلامی، غیر از وظیفه «اطاعت» از اوست و امت اسلامی، علاوه بر حمایت از خواسته‌های رهبری و وفاداری به تعهدات با او، نباید از «نصیحت» وی غفلت نماید. همچنانکه امام علی (ع) می‌فرماید:

«و اما حق علیکم: فالوفاء بالبیعه و النصیحه فی المشهد و المغیب، و الاجابه حین ادعوکم و الطاعه حین امرکم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴، بند ۱۰، ص ۱۱۴).

«و اما حق من بر شما این است که به بیعت خود وفا کنید و

شرعی و یک تکلیف الهی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است و می‌توان گفت مباحث امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر امر کارگزاران حکومتی و نصیحت و خیرخواهی زمامداران جامعه اسلامی، از ویژگی و عنایت خاصی برخوردار است؛ تا جایی که در بحث حقوق متقابل حاکم و مردم، به اصل نصیحت و دو طرفه بودن این اصل، همواره توجه شده است. در همین راستا پیامبر (ص) فرموده‌اند:

«ثلاث لا یغل علیهن قلب امرء مسلم: اخلاص العمل لله، و النصیحه لائمه المسلمین، و اللزوم لجماعتهم» (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۰۳).

«سه وظیفه است که قلب انسان مسلمان، هرگز در آن خیانت روا نخواهد داشت: اینکه کارها را برای خدا انجام بدهد؛ همواره خیرخواه و ناصح زمامداران مسلمان باشد؛ جماعت مسلمانان را هرگز رها نکند.»

بدیهی است، تحقق امر به معروف و نهی از منکر نه تنها کارایی و کارآمدی هر سامانه مدیریتی و نظام سیاسی را بالا می‌برد، بلکه گسترده‌ترین نوع نظارت مردمی را نیز به ارمغان خواهد آورد. دوران زمامداری امام علی (ع) بخوبی نشانگر آن است که آن امام همام تا چه اندازه گسترده‌ای به این نوع نظارت و گزارش‌های واسطه مردمی توجه و اتکا می‌کرده و حتی بر حسب آنها نیز با والیان و حتی نزدیکان خویش؛ از جمله ابن عباس (والی بصره، در قضیه گزارش بی‌مهری وی به قبیل بنی تمیم) برخورد عتاب‌آمیز می‌نموده است.

جالب اینجاست که امام (ع) حتی به شکایات و اطلاعاتی که از سوی نامسلمانان دریافت می‌کرد نیز، ترتیب اثر می‌داد و آنان را از حقوق اجتماعی، پایه‌پای مسلمانان بهره‌مند می‌ساخت. ایشان در نامه‌ای که به قرظ بن کعب انصاری می‌نویسد، از او می‌خواهد که به شکایت برخی از ذمیان در مورد نهر رسیدگی کند.

#### برخی سازوکارهای کاربردی در اشاعه و گسترش نظارت همگانی

با توجه به مطالب پیشگفته، می‌توان برخی از سازوکارها و اهرم‌های نظارت بیرونی را در اندیشه‌های اسلامی، این‌گونه تبیین کرد:

در نهان و آشکار، حق خیرخواهی را ادا نماید.»

قوام اینگونه نصیحت، به انگیزه‌های خیرخواهانه است و هرگونه گفتار و کرداری را با چنین نیتی؛ چه در لباس انتقاد و یا موعظه، تعریف، تمجید و جدال احسن و تذکر و ... را در بر می‌گیرد. با توجه به اهمیت باب «النصیحه لائمة المسلمین» محدثان پرتلاش شیعه مانند کلینی در کتاب الحجه از «کافی»، محدث کاشانی در ابواب «وجوب الحجه و معرفته» در کتاب «وافی» و همچنین علامه مجلسی در کتاب «الامامه» از بحارالانوار به این موضوع اشارات کافی و مشخص نموده‌اند.

### ۳. نظارت بر مصرف مالیات

برخی از فقها، حق نظارت مردم را از طریق «پرداخت مالیات مردم به دولت» اثبات کرده و معتقد شده‌اند که چون مردم به دولت مالیات می‌پردازند، حق دارند بر موارد و کیفیت مصرف آن نظارت کنند. محقق نائینی در این باره و در پاسخ به شبهه‌ای در خصوص «عدم مشروعیت دخالت مردم» می‌نویسد:

«نظر به شورویه بودن اصل سلطنت اسلامی، چنانچه سابقاً مبین شد، عموم ملت از این جهت مالیاتی که از برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند و از باب منع از تجاوزات در باب نهی از منکر به مندرج و به هر وسیله‌ای که ممکن است واجب است و تمکن از آن در این باب، به انتخاب ملت متوقف است. علاوه بر اینها، از جهان سیاسی و وظیفه فعل نظر به منصوبیت مقام و عدم تمکن از تحدید صحیح جز بر این وجه، موجب تعیین نظر آن است...» (نائینی، ۱۳۶۱، صص ۷۸-۷۹).

### ۴. حق پرسش و استیضاح از عملکرد حاکمان و حکومت

پرسش و استیضاح، دو نمود بارز از مشارکت سیاسی مردم است و از جمله حقوق سیاسی افراد محسوب می‌شود. حکومت و نظام اسلامی، حکومتی پاسخ‌گو است و موظف است هم امکان سؤال و استیضاح را فراهم آورد و هم نسبت به آن احساس تعهد و مسئولیت کند و متعهدانه پاسخ‌گو باشد. نتیجه چنین فرایندی، شفاف‌سازی مواضع، برنامه‌ها و عملکردهای دولت و نظام اسلامی است که کمک بسیار مؤثری در پیشبرد مقاصد آن و جلب پشتیبانی مردم از نظام خواهد بود.

امام علی(ع) در تأیید این حق و ضرورت استیفای آن به‌وسیله

حاکم اسلامی به مالک می‌فرماید:

«اگر رعیت بر تو گمان ستم بُرد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار آنان را از بدگمانی‌شان خارج ساز، که بدین رفتار، خود را به عدالت، خوی و عادت می‌دهی و با عذری که می‌آوری، به آنچه می‌خواهی می‌رسی و آنان را نیز به حق استوار می‌سازی.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۷۳، ص ۱۰۲۶).

وجود فضای باز سؤال و استیضاح در جامعه اسلامی و یک نظام مردم‌سالار دینی را بر هرگونه ستایش‌های افراطی و متملقانه که آفت یک حکومت مردمی و اسلامی است سد می‌کند، همچنانکه امام علی(ع) در خطبه ۲۰۷ به شدت کبرورزی و ستایش و تملق‌خواهی حکام را نفی می‌کند؛ (همان، خطبه ۲۰۷، بند ۱۲، ص ۶۸۶). زیرا عادت رهبران به تکریم و ستایش مانع شنیدن و بر تافتن اعتراض و انتقاد خواهد بود.

### ۵. تأکید بر صحت وجدان جمعی و قضاوت افکار عمومی و تجویز انتقادگری و پذیرش آن

امام علی(ع) معمولاً حوادث و مسائل مهم جامعه را برای مردم تشریح می‌کرد و برخورداری مردم از اطلاعات صحیح و شفاف را حق آنان می‌دانست و به مردم می‌فرمود: «بدانید که شما این حق را نزد من دارید که جز اسرار جنگ را بر شما نپوشانم و کاری جز حکم شرع را بی‌مشورت شما انجام ندهم.» (همان، نامه ۵۰، بند ۲، ص ۹۸۲).

امام(ع) والی را موظف می‌داند که در برابر افکار عمومی پاسخ‌گو باشد؛ به طوری که مردم نسبت به عملکرد او شبهه و اشکالی داشتند، باید برای آنها توضیح بدهد و این کار را موجب آمادگی حاکم و همگامی او با مردم و استواری جامعه در مسیر حق می‌داند. بی‌شک چنین وظیفه‌ای به‌منزله محترم شمردن حق نظارت مردم و حق سؤال و انتقاد است. با همین حکمت و فلسفه، امام(ع)، از مالک می‌خواهد با مردم رابطه برقرار کند و از آنها فاصله نگیرد؛ زیرا احتجاج حاکم از مردم باعث گمراهی و بی‌اطلاعی از حقایق جامعه و ایجاد شک و تردید و بی‌اعتمادی مردم می‌گردد. امام(ع) بر صحت وجدان جمعی و قضاوت افکار عمومی پافشاری نموده و ملاحظه آن را به‌وسیله زمامداران توصیه و به مالک اظهار می‌دارد:

«همان‌گونه که تو ناظر حکام قبل از خود بودی، مردم بر کار

یعنی خودسرانه عمل نکنید و نظم و امنیت جامعه را به هم نزنید.

#### ۷. قائل شدن حق حیات سیاسی برای مخالفین

امروزه در بسیاری از نظام‌های سیاسی، اعطای حق مزبور به مخالفین به عنوان یکی از شاخصه‌های دموکراسی و قبول حق نظارت بر حکومت، حتی از سوی اقلیت‌های موجود در نظام و جامعه سیاسی تلقی می‌شود. در نظام اسلامی این امنیت سیاسی و اعطای حق نظارت حتی به مخالفین منظور شده است، در حکومت علوی، شاهد دایره وسیع تأمین امنیتی هستیم که امام علی (ع) به مخالفین خود می‌داد؛ برای مثال تا وقتی خوارج دست به شمشیر نبردند و به محاربه برخاستند، همچنان از سهم بیت‌المال از سوی امام (ع) بهره‌مند می‌شدند. امام (ع) امنیت و آزادی بسیاری از شخصیت‌های مخالف زمان خویش را که با وی بیعت نکرده بودند، تضمین نمود و هیچ یک را وادار به بیعت نکرد و با از خواستشان بازداشت که از جمله این افراد معروف می‌تواند عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، حسان بن ثابت، کعب بن مالک، سلمه بن مخلد، ابوسعید خدری، محمد بن مسلمه، نعمان بن بشیر، زید بن ثابت، رافع بن خدیج، فضاله بن عبید و کعب بن عجره را نام برد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۸۲).

#### جمع‌بندی و نتیجه

نظارت همگانی در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر روشی است که می‌تواند، جلوی انحرافات را گرفته و زندگانی سالمی را برای جوامع به ارمغان آورد. در سیره نبوی نظارت بیرونی بر قاعده اساسی نظارت درونی استوار است و میان این دو نظارت تعامل کاری، برقرار بوده و لازم و ملزوم یکدیگرند. البته با وجود اینکه دیدگاه اسلامی، مبنای اصلی نظارت را بر نظارت درونی و خودکنترلی رهبران و کارگزاران سیاسی گذاشته است؛ اما همزمان به این حد نیز کفایت نکرده و از عصری‌ترین روش‌های قانونمند نظارت بیرونی بر قدرت و تحدید و مهار آن استفاده می‌کند و در بهره‌گیری از تجربه و دانش روزافزون بشری در این زمینه غفلت نمی‌ورزد و خود را بی‌نیاز نمی‌بیند.

در جامعه اسلامی، کوتاهی یا ناتوانی دولت و دستگاه قضایی در بازرسی، نظارت و مراقبت دولتی با احساس مسئولیت مردمی و نقد دولت و ارزشیابی رفتار کارگزاران جبران می‌گردد. اعتراضات

تو نظارت دارند و آنچه درباره آنها بگویی، درباره کارهایت قضاوت می‌کنند. سند صلاح و خلوص حکام صالح، نظر و قضاوتی است که خداوند بر زبان مردم صالح جاری می‌سازد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۵، ص ۹۹۲).

امام (ع)، جماعت را رحمت می‌داند و دست خدا را با جماعت می‌بیند (یدالله مع الجماعه). (همان، خطبه ۱۲۷، بند ۵، ص ۳۹۲). این دو روایت می‌تواند تأکیدی بر ضرورت استفاده حکومت و زمامداران از «عقل جمعی» باشد و بیانگر این واقعیت است که مردم در حال تشکل جمعی برای به دست آوردن یک هدف معقول می‌توانند از فهم و عقل و وجدان یکدیگر بهره‌برداری کنند و هر یک از آنها میزان سنجش و کتابی گشوده، در مقابل دیدگاه دیگری و زمامداران باشند.

#### ۶. تجویز مخالفت با حکومت و نقض بیعت در صورت عدم

##### پایبندی زمامداران به شریعت

حکومت دینی متعهد به عمل به مقتضای شرع است و اگر حکومت به تعهد خود عمل نکرد، مردم مجاز به مخالفت از دستوره‌های حاکم‌اند؛ به عبارت بهتر، تعهدات مردم و حکومت دینی متقابل است و اگر حکومت به تعهد خود پایدار نماند، متقابلاً محلی برای وفادار ماندن مردم به تعهدات خود نمی‌ماند و خروج از مدار شریعت سبب و مجوز عدم اطاعت مردم از نظام سیاسی خواهد بود. حضرت امیر (ع) زمانی که عبدالله بن عباس را برای حکومت بصره مأمور می‌ساخت، خطاب به مردم فرمود: «ای مردم، من عبدالله بن عباس را به جانشین خود بر شما حاکم و والی قرار دادم. سخن او را بشنوید و از امر او، مادامی که در اطاعت خدا و رسول اوست اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق روی گردان شد، به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم.» (کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۴۵۲).

بنابراین بخش، می‌توان فهمید که اولاً، ملاک تبعیت از حاکم، حرکت و رفتار او بر مبنای شریعت و حق و احکام الهی است. ثانیاً، وظیفه مردم نظارت بر کار حاکمان است و در صورت مشاهده خلاف شرع و به حکم خرد جمعی مسلمانان موظف به برکناری او هستند. ثالثاً، این برکناری باید قانونمند و از طرق قانونی صورت گیرد؛ از این رو حضرت فرمودند در صورت خروج عبدالله بن عباس از حق، به من اطلاع دهید تا او را عزل کنم؛

مردمی نسبت به بد رفتاری و انحرافات مدیران و هشدارهای مؤمنین به آنان و بررسی عملکرد دولت به وسیله ملت و قدردانی دولت از انتقادات دلسوزان و تشویق آنان، در کم شدن تخلفات مدیران و سالم شدن رفتار دستگاه‌های دولتی مؤثر و مفید است و به افزایش نیکوکاری آنان کمک می‌کند. امام خمینی (ره) به خاطر اینکه نشان دهند که هیچ مقامی از نظارت بی‌نیاز نیست و هیچ‌کس نباید از نظارت مردمی رهایی یابد می‌فرماید:

«نظارت کنند، اگر من یک پایم را کج گذاشتم، ملت موظف است که بگوید: پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن، مسئله، مسئله مهم است، همه ملت‌ها موظفند به اینکه نظارت داشته باشند.» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۳۳).

ارائه راهکارهای کاربردی برای استقرار نظارت‌های مردمی مؤثر در جامعه

۱. نظارت‌ها بازدارنده و پیش‌گیرنده باشند.
۲. انتقادپذیری، زمینه‌ساز نظارت ملی می‌باشد که باید آشاعه یابد.
۳. جدی گرفتن گزارشات مردمی، تقویت‌کننده فرهنگ نظارت در جامعه است.
۴. تقویت نظارت با بازرسی سری، نامرئی و نامحسوس.
۵. برانگیختن احساس مسئولیت همگانی.
۶. تبیین و ترویج دیدگاه اسلام و سیره معصومین در باب نظارت.
۷. پاسخگو بودن مسئولین در برابر دستگاه‌های نظارتی کشور.
۸. معرفی الگوهای نظارتی موفق به مردم.
۹. تبیین مضرات عدم نظارت جامع در کشور.
۱۰. احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر.
۱۱. تبیین و تشریح فرهنگ عاشورا برای استقرار نظارت‌های مردمی.

۱۲. احیاء و تقویت روحیه و فرهنگ بسیجی.
۱۳. تشویق مردم به برخورداری از روحیه نظارتی در کشور.
۱۴. ضرورت خودسازی در راه اصلاح و نظارت دیگران.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آمدی، عبدالواحد تیممی. (۱۳۶۰). «شرح غرر الحکم و دررالکلم»، انتشارات دانشگاه

تهران، ج ۱.

- امین عاملی، سیدمحسن. (۱۹۸۶). «اعیان الشیعه»، به اهتمام محسن امین، بیروت.
- ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسین بن علی بن الحسین. (۱۳۶۳). «تحف العقول من ال الرسول»، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، زیر نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- بشریه، حسین. (۱۳۸۱). «آموزش دانش سیاسی»، مؤسسه نگاه معاصر، تهران، چاپ دوم.
- ترکمان، محمد. (۱۳۶۲). «رسائل، اعلامیه‌ها و مکتوبات» و ... شیخ فضل‌الله نوری، ج ۱.

- حر عاملی، شیخ، محمدبن الحسن. (۱۳۹۱). «وسائل الشیعه»، تصحیح شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۶). «راهبردهای ولایت»، نسل کوثر، تهران.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۱). «صحیفه نور»، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). «حکومت حکمت»، خانه اندیشه جوان، تهران.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد. (۱۳۶۲). «مفردات الفاظ القرآن»، المکتبه المرتضویه، چاپ دوم.
- رسولی محلاتی، هاشم. (۱۳۶۳). «شرحی بر زندگی حضرت یونس(ع)»: قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ج ۲، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ چهارم.
- صدوق (ره)، الحضال. (۱۳۴۸). تصحیح علی‌اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.
- صدوق (ره)، امالی. (۱۳۰۰). تهران.
- صدوق (ره). (۱۳۶۱). «معانی الاخبار»، انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۲). «تفسیر المیزان»، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- طبرسی، احمدبن علی بن ابی طالب، «الاحتجاج»، چاپخانه سعید، مشهد.
- طبرسی، شیخ، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی. (۱۳۳۳). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ ۱۴۰۳ هـ ق، افست چاپ مطبعه العرفان صیدا سته.
- فیض کاشانی، ملامحسن، «تفسیر الصافی»، مؤسسه اعلمی بیروت.
- قزلسفلی، محمدتقی. (۱۳۷۷). «بازخوانی اندیشه»، نشر فرهنگ و اندیشه.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی. (۱۳۸۱). «الاصول من الکافی»، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ دوم.
- متقی هندی، علاء الدین. (۱۳۹۷ق). «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال»، مکتبه التراث الاسلامی، حلب.
- مجلسی، مولی محمدباقر. (۱۴۰۳ق). «بحار الانوار»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، جلد ۱-۴، قم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). «حماسه حسینی»، انتشارات صدرا، قم، چاپ سوم.
- نایینی، محمدحسین. (۱۳۶۱). «تنبیه الامه و تنزیه المله»، شرکت سهامی انتشار.
- نوری، محدث، حسین، «مستدرک الوسائل».
- هانا، آرت، توتالیتاریسم. (۱۳۶۶). ترجمه محسن ثلاثی، سازمان انتشارات جاویدان.